

بررسی تأثیر احساس عدالت اجتماعی بر هویت ملی شهروندان سنی و شیعه مذهب قوم کُرد (نمونه موردی شهر قروه)

فرزاد نوابخش¹

جمشید گراوند²

دریافت: 1390/09/13 تأیید: 1390/12/21

چکیده

شواهد ایران صد سال اخیر نشان دهنده عدم توزیع برابر فرصت‌ها و امکانات اجتماعی است و این مساله سبب نگرانی و دلمشغولی مورد توجه ویژه محققان و صاحب‌نظران این حوزه قرار گرفته است. قوم کُرد با جمعیت قریب به 5 میلیون از یک طرف و قرار گرفتن در مرزهای غربی کشور از طرف دیگر، بارها تحت تأثیر عواملی همچون تحركات کشورهای خارجی و سیاست‌های غلط دولت مرکزی سبب شکل‌گیری جنبش‌های اعتراض‌آمیز و استقلال‌طلبانه این قوم بوده است. اما واقعیت این است که دولتهای مرکزی به ندرت در پی شناخت عوامل موثر بر همگرایی یا واگرایی ملی این قوم بوده‌اند و بیشتر به رفتارهای آنها توجه کرده‌اند نه عوامل موثر بر شکل‌گیری کنش‌ها و رفتارها و نیات آنها، در این بین کردها از یک طرف خود را محروم از منابعی می‌دانستند که حق طبیعی آنها بود. تحقیق حاضر با هدف شناخت میزان هویت ملی در بین شهروندان کُرد و رابطه آن با احساس عدالت به صورت ترکیبی از روش مطالعه کتابخانه‌ای و مطالعه میدانی انجام شد. در بخش مطالعه کتابخانه‌ای مبانی نظری هویت و احساس عدالت مورد بررسی قرار گرفته و نظرات اندیشمندان مختلف در مورد آنها بررسی شده است و در بخش مطالعه میدانی که به روش پیمایشی انجام شده، نظرات 299 نفر از شهروندان کُرد سنی و شیعه مذهب ساکن در شهرستان قروه به عنوان نمونه موردی از ابتدای خرداد ماه 1390 تا پایان تیرماه گردآوری شد و با استفاده از نرم‌افزار SPSS نظرات شهروندان مورد تحلیل قرار گرفت. در این پژوهش 151 نفر شهروندان کُرد شیعه مذهب و 148 نفر شهروندان کُرد سنی مذهب شرکت داشتند. بررسی رابطه میان احساس عدالت شهروندان کُرد با هویت ملی با استفاده از

۱. استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد اراک farzad.navabakhsh@yahoo.com

۲. کارشناس ارشد جامعه‌شناسی jamshid_geravand@yahoo.com

آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن نشان داد که بین احساس عدالت شهروندان و هویت ملی آنان همبستگی معناداری به میزان 0/49 وجود دارد و هر چه احساس عدالت بیشتر باشد، هویت ملی شهروندان بالاتر است. همچنین نتایج ضریب همبستگی اسپیرمن نشان داد که هر چه قدر احساس عدالت اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و زبانی شهروندان بالاتر باشد، هویت ملی آنان قوی‌تر است. بطور مشابه، یافته‌های پژوهش، رابطه بین هویت ملی و مشروعیت شهروندان را تأیید نمود.

واژگان کلیدی: احساس عدالت، هویت ملی، تعلق قومی، شهروندان کرد، مشروعیت سیاسی.

مقدمه

انسان از زمانی که آغاز به شناخت خود کرد مسأله هویت برایش مطرح شد. در عین حال بحث از هویت به عنوان یک پدیده قابل توجه در عصر سنت چندان مطرح نبود. به گفته گیدنز در جوامع سنتی و در زندگی پیشامدرن، جوهره آدمی به عنوان محصول و آفریده خداوند، امری ثابت، از پیش روشن و استوار بود. آدمی به گفته هایدگر تصویری بود که از چشم خداوند یا خدایان دیده می‌شد و هویت او محصول کارکرد یک نظام مقتدر و باورهای دینی و آیینی و اسطوره‌ای بود. فرد به عنوان عضو قبیله کلان یا نظام خویشاوندی در یک موقعیت از نظر فرهنگی و اجتماعی تعریف و تثبیت شده به دنیا می‌آمد و زندگی می‌کرد و مجالی برای اندیشیدن به جایگاه و موقعیت اجتماعی خویش یا تغییر و گریز از آن نداشت. "آدم شکارچی بود یا عضو قبیله‌ای، همین و بس" (گیدنز، 1378: 103)

هویت دارای ابعاد متعددی می‌باشد و بر همین اساس هویت ملی را می‌توان مهم‌ترین و فراگیرترین و بالاترین سطح هویت دانست. هویت به معنای «چه کسی بودن» از نیاز طبیعی انسان به شناخته شدن یا معرفی شدن به کسی یا جایی نشأت می‌گیرد. این احساس نیاز به تعلق، نیازی ذاتی و اساسی است که در هر فردی وجود دارد. هویت ملی روند پاسخ‌گویی آگاهانه یک ملت به پرسشهایی پیرامون خود، گذشته، کیفیت خاستگاه، حوزه تمدنی، جایگاه سیاسی - اقتصادی، فرهنگی و ارزشهای مهم تاریخی خود است. در این مقاله تأثیر احساس عدالت اجتماعی بر هویت ملی شهروندان سنی مذهب و شیعه مذهب قوم کرد و عوامل و زمینه‌های موثر بر آن مورد بررسی قرار گرفته است.

بیان مسأله و ضرورت تحقیق

پدر دهه‌های اخیر بحث در خصوص هویت ملی اهمیت زیادی پیدا کرده است در عصر کنونی با پیشرفت چشمگیر در عرصه ارتباطات و اطلاعات و نفوذ بسیار وسیع و گسترده الگوهای مختلف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، افراد با هجوم انبوهی از اطلاعات، ارزش‌ها و الگوها روبرو هستند و مسلماً هویت به عنوان مجموعه‌ای از عواطف، احساسات، ارزش‌ها، تعلقات، برابری و برخورداری در این مسیر دچار تحولات مهمی خواهد شد. زمانی که افراد از هویت‌های قبلی خود جدا شده و به هویت‌های جدید نیز نمی‌توانند بپیوندند دچار بلاتکلیفی و سردرگمی می‌شوند. در این وضعیت، افراد با پرسش‌هایی از قبیل ما که بوده و هستیم و چه باید باشیم روبرو خواهند شد. این حالت بلاتکلیفی و سردرگمی زمینه لازم برای آسیب‌پذیری جامعه و مردم در برابر عوامل خارجی و نفوذ فرهنگ‌های مختلف را مساعد می‌سازد.

واقعیت این است که هویت ملی را باید به دور از رویکردهای تقلیل‌گرایانه و تک‌عاملی بررسی و مورد توجه قرار داد زیرا هویت با در نظر گرفتن زبان، دین، تاریخ، ارزش‌ها، هنجارها، خاطرات تاریخی و جمعی، اساطیر و اسطوره‌ها، نمادهای فرهنگ مادی و معنوی و سنت‌های یک جامعه قابل درک خواهد داد. بر این اساس هر ملتی می‌بایست توانایی تغذیه اعضای خود از این میراث را داشته باشد و به بازتولید، بازآفرینی و تداوم آن همت گمارد. اگر ملتی متکی بر پشتوانه عظیم زندگی و میراث‌های ملی خود نباشد، نمی‌تواند هویت و وجود خویش را به اثبات برساند.

علی‌رغم اینکه بسیاری از محققان بیشتر توجه خود را به مباحثی چون بحران هویت نسل جوان، هویت اجتماعی و نظایر آن معطوف کرده‌اند اما به اعتقاد نگارنده، توجه به تحولات گسترده ناشی از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق و شکل‌گیری جمهوری‌های آسیای میانه و تجزیه کشورهای شبه جزیره بالکان به خوبی نشان می‌دهد که استحکام سازه هویت ملی نیازمند توجه جدی به توزیع برابر و عادلانه فرصت‌ها و امکانات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سیاسی در سطح شهروندان و شهروندی است.

شواهد ایران صد سال اخیر نشان دهنده عدم توزیع برابر فرصت‌ها و امکانات اجتماعی است و این مساله سبب نگرانی و دل‌مشغولی مورد توجه ویژه محققان و صاحب‌نظران این حوزه قرار گرفته است در مطالعات انجام شده در این خصوص بر عوامل متعددی تأکید شده است اما در این مطالعه توجه ما بیشتر بر تأثیر احساس عدالت اجتماعی بر تضعیف یا تقویت هویت ملی است. فرض این تحقیق بر این است که در جامعه‌ای که عدالت در ابعاد مختلف نظام اجتماعی حاکم نباشد و یا احساس افراد بر عدم وجود عدالت دلالت کند،

هویت ملی در همه اجزاء آن دچار بحران و تزلزل خواهد شد زیرا چنانکه در متن این تحقیق به تفصیل بیان خواهد شد تشکیل هویت ملی بر مبنای تشکیل اجتماع ملی است. اجتماعی که افراد تشکیل دهنده آن خود را عضو و به معنایی "شهروند" آن جامعه بدانند. شهروندی نیز خود متضمن مسوولیت، تعهد، عاطفه و باور است. از سوی دیگر افراد عضو یا همان شهروندان، خود را با یکدیگر مقایسه می‌نمایند و در استفاده از امکانات، منابع و امتیازات تعریف شده در قالب جامعه، خود را مستحق دریافت آن دانسته و رعایت عدالت را در ابعاد مختلف، خواستارند. بدیهی است که بخش عمده‌ای از اجرای عدالت بر عهده دولت یا نظام سیاسی جامعه است. در صورت عدم باور افراد به رعایت عدالت، هویت شهروندی، باور، تعهد، مسوولیت و عاطفه آنها که همگی تبلور هویت ملی آنان می‌باشد خدشه‌دار می‌شود. این مسأله بیگانگی اجتماعی، انزوای اجتماعی و در نهایت از هم گسستگی انسجام و وفاق اجتماعی که تضمین کننده تداوم حیات هر جامعه‌ای است را به دنبال دارد. همچنین احساس نابرابری و یا عدم به رسمیت شناخته شدن حقوق افراد، منجر به زیرسوال رفتن مشروعیت حاکمیت و دولت، بی‌اعتمادی و عدم تعهد و توجه نسبت به ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و در نهایت منجر به بیگانگی اجتماعی و از بین رفتن انسجام و وفاق اجتماعی خواهد شد.

در حقیقت عدم احساس عدالت در میان افراد، باعث ناامیدی نسبت به آینده و عدم اطمینان از تحقق اهداف و امیال و خواسته‌های آنان می‌شود. این مسأله شهروندان را با سرگسستگی، احساس پوچی، از خود بیگانگی و انزوای اجتماعی روبرو می‌سازد به گونه‌ای که دیگر خود را به عنوان عضوی از اجتماع نمی‌بینند و احساس تعلق به آن را ندارند. چه بسا برای پرکردن بخشی از این خلاء هویت‌های دیگری را برای خود برمی‌گزینند. بسیاری از آنان قهرمانان، هنرپیشگان، اسطوره‌ها و ارزش‌های فرهنگ‌های دیگر را به عنوان الگوی خود انتخاب می‌کنند یا تلاش دارند تا با ایجاد ارتباط با ساکنین مرزهای کشورهای همسایه در جستجوی هویت مستقلی برای خود باشند و در واقع باید گفت نقطه آغاز واگرایی ملی را می‌توان عدم احساس عدالت اجتماعی و کم رنگ شدن هویت ملی دانست که نشانه‌های آغاز آن را می‌توان، پدیده‌هایی همچون خروج لجام گسیخته نخبگان و صاحبان دانش و ثروت به عنوان فعالان حوزه دانش و عمل از کشور و نارضایتی آنان از زندگی در فضای جامعه ایران که به زعم آنان پر از تبعیض و بی‌عدالتی و عدم توجه شایسته به توانایی‌ها و شایستگی‌های افراد می‌باشد و ترجیح زندگی در کشوری دیگر علی‌رغم تحمل برخی سختی‌ها است. این امر به طور یقین حرکت ما در مسیر توسعه را با خلل مواجه خواهد

ساخت.

از سوی دیگر قوم کُرد همواره یکی از اقوامی بوده است که در کشور ما مورد توجه محققان و مدیران و سیاستمداران بوده است. این اهمیت به خاطر وجود نزدیک به 5 میلیون کُرد در کشور از یک طرف و قرار گرفتن در مرزهای غربی کشور از طرف دیگر است که این موقعیت بارها تحت تأثیر عواملی همچون تحرکات کشورهای خارجی و سیاست‌های غلط دولت مرکزی سبب شکل‌گیری جنبش‌های اعتراض‌آمیز و استقلال‌طلبانه این قوم گردیده است اما واقعیت این است که دولتهای مرکزی به ندرت در پی شناخت عوامل موثر بر همگرایی یا واگرایی ملی این قوم بوده‌اند و بیشتر به رفتارهای آنها توجه کرده‌اند نه عوامل موثر بر شکل‌گیری کنش‌ها و رفتارها و نیات آنها، در این بین کردها از یک طرف خود را محروم از منابعی می‌دانستند که حق طبیعی آنها بود و از طرف دیگر حاکمیت به ملاحظاتی توجه می‌کرد که بیشتر رنگ و بوی سیاسی داشت تا براساس فهم و کالبدشکافی.

بر این اساس، این موضوع کماکان به عنوان موضوعی دستاویز سیاسیون و فعالان هر دو طیف است در واقع میتوان گفت یکی از مهمترین عوامل موثر بر تضعیف یا تقویت هویت ملی، احساس عدالت اجتماعی است سنجش میزان احساس عدالت اجتماعی در بین شهروندان و رابطه آن با هویت ملی میتواند به ما کمک کند تا به درک مناسبی از تأثیر و تأثرات عدالت اجتماعی و هویت ملی نائل شویم با این پیش زمینه، پژوهش حاضر به دنبال شناسایی و بررسی تأثیر احساس عدالت اجتماعی بر تقویت یا تضعیف هویت ملی و به معنایی دقیق‌تر هویت جامعه‌ای شهروندان و احساس تعلقشان نسبت به موجودیتی به نام «ایران» است.

اهداف پژوهش

هدف اصلی این مطالعه بررسی و شناخت میزان هویت ملی در بین شهروندان کُرد و رابطه آن با احساس عدالت در بین آنها می‌باشد برای این منظور جهت تعیین میزان تأثیر واقعی احساس عدالت بر هویت ملی برخی متغیرهای تأثیرگذار در این رابطه شامل مذهب، جنسیت، سن، تعلق قومی و پایگاه اجتماعی - اقتصادی کنترل شد. علاوه بر هدف اصلی، اهداف اختصاصی زیر نیز در این تحقیق دنبال شد:

▪ سنجش ابعاد هویت ملی و نقاط قوت و ضعف آن در بین شهروندان؛

- سنجش ابعاد احساس عدالت در بین شهروندان و مقایسه آن با یکدیگر؛
- بررسی رابطه میان احساس عدالت سیاسی و هویت ملی شهروندان؛
- بررسی رابطه میان احساس عدالت اقتصادی و هویت ملی شهروندان؛
- بررسی رابطه میان احساس عدالت منزلتی و هویت ملی شهروندان؛
- بررسی رابطه میان احساس عدالت فرهنگی و هویت ملی شهروندان؛
- هدف کاربردی این پژوهش نیز ارایه پیشنهادات و راهکارهایی برای تقویت هویت ملی شهروندان کرد و در نتیجه افزایش انسجام و همبستگی ملی آنان است.

سوالات پژوهش

در این مقاله به سوالات زیر پاسخ داده خواهد شد:

- آیا میان احساس عدالت شهروندان کردنشین با هویت ملی رابطه معناداری وجود دارد؟
- کدام یک از ابعاد احساس عدالت بیشترین تأثیر را بر هویت ملی شهروندان کرد دارد؟
- تعلق قومی چه تأثیری بر هویت ملی شهروندان کرد دارد؟

فرضیات پژوهش

فرضیه‌های اصلی تحقیق حاضر شامل 5 فرضیه زیر می‌باشد.

- هر چقدر احساس عدالت نزد شهروندان بیشتر باشد هویت ملی آنان قوی‌تر است.
- هر چقدر احساس عدالت سیاسی نزد شهروندان بیشتر باشد هویت ملی آنان قوی‌تر است.
- هر چقدر احساس عدالت اقتصادی نزد شهروندان بیشتر باشد هویت ملی آنان قوی‌تر است.
- هر چقدر احساس عدالت منزلتی نزد شهروندان بیشتر باشد هویت ملی آنان قوی‌تر است.
- هر چقدر احساس عدالت فرهنگی نزد شهروندان بیشتر باشد هویت ملی آنان قوی‌تر است.
- علاوه بر فرضیات اصلی، فرضیات زیر نیز مورد آزمون قرار خواهد گرفت.
- بین مشروعیت سیاسی و هویت ملی شهروندان کرد، رابطه معنادار وجود دارد.
- هر چقدر احساس تعلق قومی شهروندان بیشتر باشد، هویت ملی قوی‌تر است.
- هر چقدر پایگاه اجتماعی اقتصادی افراد بالاتر باشد، هویت ملی آنان قوی‌تر است.
- شهروندان کرد دارای مذهب رسمی کشور (تشیع)، هویت ملی بالاتری دارند.

تعاریف عملیاتی پژوهش

هویت ملی: هویت ملی از انواع هویت جمعی است و به معنای احساس همبستگی بزرگ ملی و قومی و آگاهی از آن و احساس وفاداری به آن و فداکاری در راه آن است. عناصر مختلف تشکیل دهنده هویت ملی سرزمین مشترک، تاریخ مشترک و فرهنگ مشترک عنوان شده است. در برخی پژوهش‌ها «چهار دسته ارزش‌های ملی، دینی، جامعه‌ای و انسانی» عناصر تشکیل دهنده هویت ملی نام برده شده‌اند. در این پژوهش هویت ملی متشکل از هفت بعد هویت اجتماعی، سیاسی، تاریخی، جغرافیایی، فرهنگی، زبانی و دینی می‌باشد.

احساس عدالت: تعاریف متعددی برای عدالت از جمله عدالت توزیعی و عدالت اجتماعی به صورت زیر ارائه شده است.

1. کاربرد مفهوم عدالت توزیعی نسبت به ثروت، دارایی، امتیازات و مزیت‌هایی است که در یک جامعه انباشت شده است. عدالت توزیعی به معنای تقسیم مناسب، احترام، پاداش‌ها و مزایای دیگر اجتماعی بر مبنای شایستگی افراد است.

2. عدالت اجتماعی یعنی با هر یک از افراد جامعه به گونه‌ای رفتار شود که مستحق آن است و در جایی قرار گیرد که سزاوار آن است. به عبارت دیگر هر فرد براساس کار، امکانات فکری، ذهنی و جسمی بتواند از موقعیت‌های مناسب و نعمات برخوردار باشد.

براساس این تعاریف، در این تحقیق، در تعریف مفهوم احساس عدالت بر چهار بعد اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و منزلتی تاکید شده است که در برگزیده هر دو تعریف بالا می‌باشد.

مروری بر مطالعات پیشین تحقیق

در بررسی پیشینه تجربی پژوهش حاضر عموماً در خصوص رابطه عدالت با هویت و عمدتاً هویت ملی در داخل و خارج کشور تحقیقات تجربی چندانی صورت نگرفته است. اما مواردی یافت شد که به طور جداگانه به بررسی هویت ملی و یا عدالت پرداخته بودند در اکثر کارهای صورت گرفته در داخل در قالب پایان‌نامه‌های دانشجویی می‌باشد که به اختصار مهمترین آنها ذکر می‌گردد.

فردین علیخواه در تحقیق خود تحت عنوان قشربندی و گرایش به عدالت و آزادی سؤال اصلی مطالعه خود را سنجش تعلق به یک قشر اجتماعی خاص و تأثیر آن بر گرایش نسبت

به عدالت و آزادی می‌داند.

برای تبیین تأثیر قشربندی بر درک و گرایش افراد به عدالت و آزادی از نظر «کارل مانهایم» استفاده شده است. از نظریات دارندروف نیز به منظور مشخص نمودن اولویت معنایی عدالت بر آزادی و یا آزادی بر عدالت استفاده شده است. در این تحقیق تأثیر سه متغیر بر گرایش نسبت به عدالت و آزادی مورد سنجش قرار گرفته است.

1. بنیادگرایی و تأثیر آن بر گرایش به عدالت یا آزادی؛

2. تأثیر میزان اطلاعات سیاسی افراد بر گرایش به عدالت یا آزادی؛

3. قشربندی اجتماعی و تأثیر آن بر گرایش به عدالت یا آزادی.

نتایج کلی این تحقیق عبارتند از:

▪ هرچه بنیادگرایی کمتر باشد گرایش به آزادی بیشتر و هرچه بنیادگرایی بیشتر گرایش به عدالت بیشتر است.

▪ اقشار بالا بیشتر به آزادی و اقشار پائین به عدالت گرایش دارند.

▪ افراد با اطلاعات سیاسی بیشتر به آزادی و آنها که اطلاعات کمتری دارند به عدالت گرایش دارند.

▪ تسهیلات رفاهی بیشتر رابطه مستقیمی با گرایش به آزادی دارد.

▪ درآمد بالاتر، آزادی‌خواهی بیشتر و درآمد کمتر، عدالت‌خواهی بیشتر را سبب شده است.

مسعود چلبی (1378) در چارچوب یک پیمایش ملی با عنوان "هویت قومی و رابطه آن با هویت جامعه‌ای (ملی)"، برای سنجش هویت ملی در میان هشت قوم فارس، آذری، کرد، لر، بلوچ، عرب، ترکمن و طالش‌ی، از عناصر زبان ملی (فارسی)، دین اسلام، مناسک دینی و ملی، مفاخر تاریخی و فرهنگی، مردم، سرزمین و دولت ملی استفاده کرده است. در مباحث نظری تحقیق، ادعا گردیده که در یک جامعه چند قومی مثل ایران، هویت قومی و هویت ملی با تکیه بر یکدیگر، قابل تعریف هستند. رابطه این دو نوع هویت، یک رابطه طولی است و هویت ملی با عبور از هویت قومی شکل گرفته و برآیندی از هویت‌های قومی است. از سوی دیگر، این دو نوع هویت بر روی یک پیوستار قرار دارند. بر روی پیوستار هویت، نقطه میانی، نقطه تعادل دو نوع هویت است و هر عاملی که یکی را تقویت کند به تضعیف دیگری می‌انجامد و بالعکس.

برزو مروت (1383) در پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی خود در مورد هویت

جمعی غالب در میان دانشجویان دانشگاههای سنندج، هویت ملی را با سه شاخص وفاداری مشترک (افتخار به نماد ملی، تعلق خاطر به سرزمین ملی، تعلق خاطر به زبان ملی و غرور ملی)، علائق مشترک (علاقه به وطن، دین، دولت ملی و مفاخر فرهنگی) و ترجیحات روابط اجتماعی (در باب سکونت و روابط مشترک) اندازه‌گیری کرده است. محقق بعد از تجزیه و تحلیل داده‌ها نتیجه‌گیری کرده است که هویت جمعی غالب در بین دانشجویان مورد بررسی، هویت قومی بوده و هویت‌های جهان وطنی و ملی به ترتیب در اولویت‌های بعدی قرار دارند. چنین چیزی به صراحت ضعف هویت ملی را در جمعیت مورد بررسی نشان می‌دهد.

فابلا، ورنا ایرانه (2002) در پایان‌نامه دکتری خویش به بررسی عوامل پیش‌بینی‌کننده هویت قومی و اجتماعی از طریق مطالعه ارتباط میان هویت قومی و هویت اجتماعی آمریکایی‌های فیلیپینی تبار و در رابطه با ادراک آنان از میزان نادیده گرفته شدن آنان می‌پردازد. داده‌های تحقیق از 179 فرد بزرگسال آمریکایی فیلیپینی تبار گردآوری شد. هویت قومی با استفاده از مقیاس اندازه‌گیری هویت قومی چند گروهی و هویت اجتماعی به وسیله "مقیاس عزت نفس جمعی" سنجیده شدند پرسشنامه اطلاعات عمومی و نیز "سیاهه مفاهیم مورد توجه بودن (دیده شدن) آمریکایی‌های فیلیپینی تبار (فابلا، 2002) به طور خاص برای این تحقیق طراحی می‌شدند.

دو فرضیه مورد بررسی قرار گرفت. فرضیه نخست دال بر وجود رابطه معنی‌دار بین درک پاسخگویان از مورد توجه بودن آمریکایی‌های فیلیپینی تبار با هویت قومی و اجتماعی آنان است. تحقیق نشان داد که میان این دو رابطه آماری معنی‌دار برقرار است به این ترتیب که هنگامی که احساس مورد توجه بودن در بین آمریکایی‌های فیلیپینی تبار افزایش یافت احساس هویت قومی و اجتماعی آنان نیز بیشتر شد. در عین حال این رابطه آماری باید با احتیاط تفسیر شود چرا که اعتبار سازه‌ای ابزار مورد استفاده برای سنجش ادراک فرد از مورد توجه بودن آمریکایی‌های فیلیپینی تبار تحقق نیافت.

فرضیه دوم تحقق بیانگر آن بود که تفاوت معنی‌داری میان افراد نسل اول و نسل دوم در زمینه هویت قومی و هویت اجتماعی وجود دارد. نتیجه تحقیق این تفاوت را تأیید کرد. بدین ترتیب شرکت‌کنندگان نسل اول در پژوهش از هویت قومی نیرومندتری نسبت به نسل دوم برخوردار بودند. اما در زمینه هویت اجتماعی تفاوت معنی‌دار مشاهده نشد. یکی از سوالات تحقیق ناظر بر رابطه بین جنس با هویت قومی و اجتماعی بودن تحقیق نشان داد که در زمینه هویت قومی تفاوتی بین دو جنس وجود ندارد.

«فور»¹ و «تامسون»¹ با مروری بر تئوری‌های مربوط به جهانی شدن، نگرانی‌های مرتبط با از بین رفتن ملت‌ها و به وجود آمدن جهان بدون مرز در جریان جهانی شدن را مورد انتقاد قرار داده و عقیده دارند ملت، هویت ملی و ملی‌گرایی در واقع مفاهیمی برای مشخص شدن هویت‌های جغرافیایی و فضایی کشورها در مقایسه با کل زمین است. در این بررسی محققین، اسناد و لوایح مربوط به جهانی شدن را جمع‌آوری نموده و شاخص‌های ارائه شده در خصوص کشورها را مورد توجه قرار داده‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که براساس آنچه که تدوین شده است در جهانی شدن، تداوم حیات هویت‌های ملی مورد توجه قرار گرفته است. به عقیده آنها با استفاده از تئوری‌های علوم اجتماعی می‌توان فرآیند شکل‌گیری هویت‌های ملی و شروط پایداری آنها را مشخص نمود.

بررسی ادبیات نظری در مورد هویت

به طور کلی بکارگیری هویت در دو حوزه مطالعات حیات فردی و اجتماعی انسان، موجبات ظهور دو نوع کلی هویت را پدید آورده است که عبارتند از هویت فردی و هویت جمعی. منظور از هویت فردی، ویژگی‌ها و خصایص فردی شخص است که باعث تمایز وی از دیگران می‌شود. هویت فردی، بیشتر مورد بحث روانشناسان بوده و تحت عنوان شخصیت از آن یاد می‌شود. «آلبورت» از شخصیت به عنوان «سازمانی پویا در فرد» یاد می‌کند که «متشکل از نظام‌های روانشناختی» است و موجبات «سازگاری منحصر به فرد او را با محیط پیرامون» فراهم می‌سازد (ساروخانی، 1372: 532-531).

آنتونی گیدنز عقیده دارد: هویت هر شخص را نباید در رفتار او و در واکنش‌های دیگران جستجو کرد، بلکه باید آن را در توانایی و ظرفیت وی برای حفظ و ادامه روایت مشخصی از زندگی‌نامه‌اش یافت. زندگی‌نامه شخصی که به حفظ روابط متقابل و منظم با دیگران علاقمند است، به کلی خیالی و ساختگی نیست. زندگی واقعی باید به طور مداوم رویدادهای دنیای خارج را در خود ادغام کند و آنها را با تاریخچه جاری «خود» شخص سازگار سازد (گیدنز، 1378: 84).

در حقیقت علیرغم آنکه تعیین مرز میان هویت فردی و اجتماعی مشکل به نظر می‌رسد اما بر اساس تعاریف موجود هویت فردی، ویژگی‌ها و خصوصیات یگانه و منحصر به فرد اشخاص را آشکار ساخته و محصول روابط فرد با دیگری یعنی روابط بین شخصی است. هویت جمعی بخش دیگر هویت است که در مقابل هویت فردی مطرح می‌شود. هویت

جمعی، ناشی از عضویت فرد در گروه‌های اجتماعی بوده و فرد با استفاده از ضمیر «ما» خود را از دیگران یعنی اعضای گروه‌های دیگر که دارای تمایزاتی با وی و به معنایی دقیق‌تر گروه وی هستند مشخص می‌سازد. در هویت جمعی، تأکید زیادی بر تعلق فرد به گروه و احساس تعهد و تکلیف نسبت به اعضای آن می‌گردد. برای روشن شدن معنای هویت جمعی می‌توان به هویت‌هایی از قبیل هویت خانوادگی، هویت محله‌ای، هویت قومی، هویت سازمانی، هویت طبقاتی و هویت ملی اشاره نمود که نشان‌دهنده عضویت فرد در گروه‌های مختلف اجتماعی و خاستگاه اجتماعی وی است. برخی از گونه‌های هویت اجتماعی جنبه موقتی دارند و برخی نیز دائمی هستند. به عنوان مثال هویت‌هایی مانند هویت دینی، نژادی، قومی، زبانی و ایلی - طایفه‌ای از هویت‌های اجتماعی دائمی محسوب می‌شوند و هویت‌هایی مانند عضویت فلان باشگاه ورزشی، دانشجوی فلان دانشگاه و یا اهل فلان محله از هویت‌های موقت هستند.

در جامعه‌شناسی معاصر «تالکوت پارسونز» بیش از هرکس دیگر به مسأله نظم اجتماعی و در قالب آن به موضوع هویت جمعی پرداخته است. پارسونز تقریباً همه عوامل ممکن و مؤثر در نظم اجتماعی و تحقق هویت جمعی را در سطح خرد و کلان نشان می‌دهد. او ارتباط درونی بین عوامل خرد و کلان را مورد تحلیل قرار داده است و نه تنها باورها و ارزش‌ها و بخصوص ارزش‌های محوری عام در سطح خرد و نهادهای فرهنگی در سطح کلان را عامل تعیین‌کننده نظم اجتماعی و هویت جمعی دانسته است، بلکه تعیین و جهت‌یابی اهداف یا وجود انگیزه لازم برای نیل به هدف در قالب نظام شخصیتی و ارضای نیازهای اساسی برای تطابق با محیط به عنوان کارکرد ارگانیک رفتار را در همسوسازی کنش‌های افراد و بسط تعهدات اخلاقی و یگانگی اجتماعی در سطح خرد می‌داند. وی همچنین تعیین آرمان‌ها یا سازماندهی سیاسی و بسیج همگانی و اعمال قدرت در جهت تحقق آنها، دسترسی به منابع و ابزار لازم مثل پول و تکنولوژی برای دستیابی به تطابق جامعه با محیط، لازمه هماهنگی ساختارهای اجتماعی و بسط قوانین و تحقق همبستگی اجتماعی در سطح کلان می‌داند.

پارسونز از «اجتماع جامعه‌ای»¹ به عنوان سیستم حفظ یگانگی و انسجام نام می‌برد و بیان می‌کند که اجتماع جامعه‌ای مرکب از روابطی است که بازیگران را به جامعه مرتبط و آنها را با همدیگر وابسته می‌سازد و بدین سان پیوستگی جمعی را تضمین می‌کند. وی ضمن بحث از گسترش و تعمیق خطوط کلی چون قشربندی و تفاوت‌پذیری و کسب مشروعیت فرهنگی، رواج پول و بازار، نهادهای دیوان‌سالارانه و مؤسسه‌های

مردم سالارانه و غلبه معیارهای محقق بر معیارهای محول، تحول هویت‌های جمعی کوچک جوامع سنتی به هویت‌های بزرگ و عام جوامع مدرن صنعتی را مورد اشاره قرار می‌دهد. او در سطح خرد، ارضای نیازهای افراد و فرایند اجتماعی شدن و هنجارپذیری افراد را از شرایط لازم و پذیرش عقاید و ارزش‌های عامی چون خردگرایی، فعال‌گرایی، آزادگی و نظایر آن را عامل تعیین‌کننده ایجاد یگانگی و رشد تعهد متقابل بین افراد می‌داند. همچنین در سطح کلان، همسویی عوامل ساختاری از جمله اقتصاد، پول، امکانات تکنولوژی و سیاست یا سازمان‌دهی این امکانات در راه تحقق آرمان‌های جامعه را از شرایط لازم و نهادهای فرهنگی مولد و مروج دانش‌ها و ارزش‌ها را تعیین‌کننده تحقق اجتماع عام می‌داند (آقازاده، 1377: 57).

پارسونز تعامل و رابطه میان نظام اجتماعی و نظام شخصیتی را منبعی برای ایجاد تنوع یا تعارض هویت‌های جمعی می‌داند. منظور وی از نظام اجتماعی برآیند ساختارهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی غالب در هر جامعه است و نظام شخصیت نیز در حقیقت کلیتی روانی - اجتماعی است که منبع اصلی تفسیر موقعیت برای ایفای کنش و ارتباط متقابل فرد و جامعه است. در بعد روانی، شخصیت بیانگر ویژگی‌های فردی است که براساس آنها فرد خود را از دیگران جدا می‌سازد و در بعد اجتماعی هم بیانگر اشتراک در باورها، ارزشها و هنجارهایی است که فرد را با دیگران پیوند می‌دهند و کنش‌هایش را با آنان همسو و هم‌جهت می‌سازند. دو نوع نظام شخصیتی عمده عبارتند از: نظام شخصیتی «خاص‌گرا» و نظام شخصیتی «عام‌گرا» (عبدالهی، 1375: 70).

در نظام شخصیتی خاص‌گرا، کنشگر اجتماعی در هنگام قضاوت درباره پدیده اجتماعی یا اشیاء بر معیارها و ویژگی‌های خاصی توجه می‌نماید و براساس آن کنش خود را شکل می‌دهد. در حالی که در نظام شخصیتی عام‌گرا کنشگر قضاوت خود را مبتنی بر ویژگی‌های عام و قابل تعمیم شکل می‌دهد (روشه، 1376). بر این اساس در تشکیل هویت‌های جمعی و احساس و تعلق افراد نسبت به اینگونه هویت‌ها دیدگاهی عام‌گرا وجود دارد که مبتنی بر برخی ارزش‌ها و خصوصیات مشترک و عام بین افراد است.

پارسونز در نظریه کنش و نظام‌های اجتماعی خود به طور مشروح توضیح می‌دهد که کنشگران با چه مکانیسم‌هایی به نظام اجتماعی بزرگتر پیوند می‌خورند و ازمهمترین مکانیسم‌هایی که مورد بحث قرار می‌دهد «جامعه‌پذیری» و «کنترل اجتماعی» است که سازگاری بین فرد و نظام اجتماعی را فراهم می‌آورد، معهدا برای شناخت کنش و عمل افراد نیاز به شناخت شرایط ساختاری است که پارسونز متناسب با شرایط ساختاری خاص

جوامع، متغیرهای الگویی را در نظر می‌گیرد که جهت‌گیری کنشی افراد را مشخص می‌کند. پارسونز شرایط جامعه‌ای جوامع سنتی را مبتنی بر انتخاب‌ها و جهت‌گیری‌های خاص‌گرایی، جانبدارانه، معیارهای محول (انتسابی)، سنت‌گرایی مبتنی بر عواطف، جهت‌گیری جمعی در راستای ارزش‌های مسلط اجتماع در نظر می‌گیرد، در حالی که در جوامع مدرن صنعتی، الگوهای عملی افراد، عام‌گرایانه، بی‌طرفانه، معیارهای محقق، عقل‌گرایانه (در برابر سنت‌گرایانه) و جهت‌گیری به سوی خود می‌باشد (همان).

جورج هربرت مید، مهم‌ترین اندیشمند نظریه‌کنش متقابل نمادین می‌باشد و در اثر معروف خود به نام «ذهن، خود و جامعه» به بررسی رابطه رفتار و فعالیت قابل مشاهده ذهن و جامعه می‌پردازد. بر این اساس وی فراگردهای ذهنی دخیل در بروز یک رفتار را مدنظر قرار داده و اعتقاد دارد جامعه و گروه‌های اجتماعی در شکل‌گیری رفتار افراد دخیل هستند.

مید ذهن را گفتگوی داخلی انسان با خودش از طریق نمادهای معنی‌دار می‌داند و عقیده داشت افراد طی فراگردی تعمیدی، نقش دیگران را می‌توانند ایفا کنند. بدین معنا که از طریق خود را به جای دیگری گذاشتن، معنای واکنش‌ها و رفتارهای او را درمی‌یابند. پس معنای ناشی از موقعیت‌های اجتماعی هستند. برای آنکه زندگی اجتماعی وجود پیدا کند، لازم است کنشگران، نمادهای معنی‌دار مشترکی داشته باشند (ریترز، 1374).

به باور مید، شکل‌گیری خود و یا هویت افراد، نتیجه فرایند اجتماعی شدن است و برای آنکه خود شکل‌گیرد باید گروهی اجتماعی وجود داشته باشد زیرا فرد خود را از طریق ایفای نقش دیگران و به جای دیگران عمل نمودن ارزیابی می‌نماید و آن را نسبتاً پایدار می‌سازد.

به طور کلی خود در نظر مید، مانند سایر اشیاء محیط، محرکی برای رفتار است و ثبات خود تا حد زیادی نتیجه یگانگی و ثبات فرایندهای اجتماعی است که خود از طریق آنها ایجاد می‌شود (پیشین). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که بنا بر عقیده مید شکل‌گیری خود و هویت افراد، مقوله‌ای اجتماعی است که از طریق ارتباط و کنش با دیگران حاصل می‌شود.

ریچارد جنکینز را می‌توان از جمله نظریه‌پردازان اخیر در خصوص هویت و به طور اخص هویت اجتماعی دانست وی با مرور کامل نظریات موجود (جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و روان‌شناسی) در رابطه با هویت به ارائه نظرات خود می‌پردازد. وی هویت اجتماعی را خصیصه همه انسان‌ها به عنوان موجودات اجتماعی می‌داند و معتقد است که برای درک و فهم هویت فردی و اجتماعی می‌توان از یک الگوی واحد و یکسان استفاده نمود زیرا هویت

فردی بدون هویت اجتماعی و هویت اجتماعی بدون هویت فردی قابل شناسایی و درک نیست. در جریان تعیین هویت، افراد دو اقدام انجام می‌دهند نخست طبقه‌بندی اشیاء و افراد و دوم مرتبط ساختن خود با چیزی یا کسی دیگر (جنکینز، 1381). به معنایی دیگر ابتدا براساس تشابهات و تفاوت‌ها افراد، گروه‌ها و دسته‌ها را مشخص نموده و سپس خود را متعلق به یکی یا تعدادی از آنها می‌دانند. بر این اساس هویت اجتماعی دلالت بر «شیوه‌هایی که به واسطه آنها افراد و جماعت‌ها در روابط اجتماعی خود از افراد و جماعت‌های دیگر متمایز می‌شوند اشاره دارد و به معنای برقراری و متمایز ساختن نظام‌مند نسبت‌های شباهت و تفاوت میان افراد، میان جماعت‌ها و میان افراد و جماعت‌هاست»

هویت ملی

هویت ملی یکی از انواع هویت‌های اجتماعی است که به معنایی می‌توان آن را فراگیرترین و کلی‌ترین هویت در سطح نظام‌های اجتماعی دانست و به همین جهت در مقایسه با دیگر هویت‌های جمعی اهمیت ویژه‌ای دارد.

مفهوم هویت ملی به مثابه پدیده‌ای سیاسی و اجتماعی زاده عصر جدید است که از اواخر قرن نوزدهم میلادی به مشرق زمین و سرزمین‌های دیگر راه یافت. اما به عنوان مفهومی علمی از ساخته‌های علوم اجتماعی است که از نیمه دوم قرن بیستم میلادی به جای «خلق و خوی» و «خصیصه ملی¹» روبه گسترش نهاده است (میرمحمدی، 1383: 7). تعاریف متعددی در خصوص هویت ملی وجود دارد که تعدادی از آنها بر برخی ابعاد آن تأکید داشته و سایر بخشها را مورد غفلت قرار داده‌اند. برخی بر ابعاد احساسی و عاطفی هویت ملی تأکید داشته و آن را عامل پیوند و تعلق فرد به گروه یا جامعه‌ای که عضو آنست می‌دانند و برخی بر متفاوت بودن و تمایز افراد یک گروه یا جامعه از دیگران با توجه به شاخص‌های عینی مانند سرزمین، زبان و نظایر آن تأکید می‌نمایند. عده‌ای نیز با در نظر گرفتن ابعاد ذهنی و عینی تصویر نسبتاً کامل‌تری از هویت ملی ارائه نموده‌اند.

هویت ملی در تعریف به عنوان احساس تعلق و تعهد افراد نسبت به «اجتماع جامعه‌ای»¹ (ملی) می‌باشد؛ اجتماع جامعه‌ای شامل باورها، ارزش‌ها، هنجارها، قوانین، حکومت، دولت و نهادهای فرهنگی مانند دین، زبان، آداب و رسوم و ادبیات است. هویت ملی افراد در حقیقت، ناشی از داشتن نوعی منشاء مشترک و احساس تعلق به آن و نیز امیدواری به آینده‌ای مشترک است (حاجیان، 1379). و در عین حال مجموع مشخصات و ویژگی‌هایی است که یک جامعه را از دیگر جوامع متمایز می‌نماید و نوعی انسجام در جامعه

را موجب می‌شود.

هویت ملی زمانی شکل می‌گیرد که افراد خود را متعلق به یک جامعه ملی یا دولت - ملت¹ می‌دانند. این نوع هویت در دیدگاه خرد بیشتر ناظر بر نحوه درونی کردن هویت جامعه‌ای از طرف فرد می‌باشد. فرد در طول فرایند جامعه‌پذیری، هویت ملی (جامعه‌ای) را با تمام ابعادش درونی می‌کند و آن را جزیی از شخصیت خویش می‌سازد. از طریق همین درونی کردن هویت ملی است که فرد به تشابهات خود با هموطنانش پی‌برده و نوعی احساس پایبندی، دلبستگی و تعهد نسبت به آنها و به جامعه احساس می‌کند. او به تفاوت‌های خویش به عنوان عضوی از یک ملت، با ملل دیگر آگاه می‌شود. این آگاهی از تفاوت‌های میان ملت خود و دیگر ملت‌ها، پیوند او با جامعه‌اش را استحکام می‌بخشد (احمدلو، 1381: 2).

به نظر «رابرت دونشوز»، هویت ملی فراگیرترین و در عین حال مشروع‌ترین سطح هویت در تمام نظام‌های اجتماعی - جدا از گرایش‌های ایدئولوژیک - است و باید آن را اصلی‌ترین سنتز و حلقه ارتباطی بین هویت خاص محلی و هویت‌های عام فردی دانست. او هویت ملی را محصول تعامل چهار عنصر زیر می‌داند.

1. عوامل نخستین مثل زبان و ادبیات.
2. عوامل تکوینی مانند دولت و ارتش مدرن و قانون اساسی.
3. عوامل القایی مثل آموزش عالی
4. عوامل واکنشی مثل دفاع از سرزمین (روح‌الامینی، 1379: 18).

معمولاً در ادبیات مربوط به هویت ملی، دولت و ملت را از عناصر شکل‌گیری آن می‌دانند حتی برخی از منابع شکل‌گیری و رواج مفهوم هویت ملی را ناشی از شکل‌گیری ملت - دولت‌های مدرن می‌دانند.

هویت ملی دارای ابعادی است که توجه به آنها به طور همزمان می‌تواند موجب تقویت هویت و تقویت انسجام در سطح کلی جامعه گردد. این ابعاد شامل موارد زیر هستند.

بعد اجتماعی

هر شخص از طریق محیط اجتماعی که متعلق به آن است، هویت خود را می‌سازد و توسعه می‌دهد. بعد اجتماعی هویت ملی در ارتباط با کیفیت و روابط اجتماعی فرد با نظام کلان اجتماعی است. جوهره بعد اجتماعی هویت ملی، منوط به برقراری روابط دوستانه و عاطفی

است. زیرا پایه هرگونه نظم اجتماعی، حتی در جوامع مدرن، عاطفه است و این امر ریشه در وابستگی عاطفی به جمع و روابط عاطفی در جوامع دارد (چلبی، 1378: 157).

ارتباطات افراد جامعه در سطح گسترده و احساس عاطفه و تعهد آنان نسبت به حقوق و خواسته‌های یکدیگر، باعث ایجاد انسجام و وفاق اجتماعی می‌گردد.

یکی از شاخص‌های ضعف یا عدم وجود بعد اجتماعی هویت ملی، بیگانگی اجتماعی است و هرگونه بی‌نظمی اجتماعی، نظام‌گسیختگی اجتماعی و اختلال هنجاری سبب شدت گرفتن یا تضعیف دامنه بعد اجتماعی هویت ملی می‌گردد. وقتی اعضای یک اجتماع (ملت) نسبت به ارکان مشترکی احساس تعلق داشته باشند و خود را در آن سهیم بدانند نسبت به دیگر اعضا نیز احساس تعهد داشته و حقوق آنها را محترم شمارند و همین امر منجر به ایجاد و حفظ نظم اجتماعی و جلوگیری از ایجاد اختلال در کارکرد بخش‌های مختلف نظام اجتماعی می‌گردد (حیدری، 1383: 347).

بعد تاریخی

بعد تاریخی هویت ملی، آگاهی مشترک افراد یک جامعه از گذشته تاریخی و احساس دلبستگی به آن و احساس هویت تاریخی و «هم‌تاریخی‌پنداری» است که پیونددهنده نسل‌های مختلف به یکدیگر است و مانع جداشدن یک نسل از تاریخ‌اش می‌شود زیرا هر جامعه‌ای با هویت تاریخی خود تعریف و ترسیم می‌شود (معمار، 1378). هویت تاریخی را می‌توان آگاهی و دانش نسبت به پیشینه تاریخی و احساس تعلق خاطر و دلبستگی بدان دانست. این تعریف دربرگیرنده سه بعد است. نخست، دانش تاریخی، به معنای آگاهی از مهم‌ترین حوادث و شخصیت‌های تاریخی، دوم، تعلق خاطر تاریخی به معنای وجود احساسات و عواطف مثبت و منفی نسبت به حوادث، وقایع و شخصیت‌های مثبت و منفی که نتیجه آن برخورد مثبت و افتخارآمیز با آن یا موافق دانستن فعالیت‌ها و اقدامات شخصیت‌های موثر و مثبت در تاریخ کشور و احساس غرور یا نازاحتی و سرافکندگی و تحقیر شدن است. سوم، اهتمام تاریخی، به معنای میزان اهمیت‌دادن به تاریخ در مقایسه با سایر موارد مهم است (همان).

بعد جغرافیایی

هویت هر ملت در درجه نخست زاییده محیط جغرافیایی آن ملت است. محیط جغرافیایی،

تیلور فیزیکی، عینی، ملموس و مشهود هویت ملی به حساب می‌آید. برای شکل‌گیری هویت واحد ملی، تعیین محدوده و قلمرو یک سرزمین مشخص، ضرورت تام دارد. عنصر سرزمین که با اقتصاد و سیاست، پیوند نزدیک دارد، واحد بقا را برای شخص معلوم می‌سازد. به این معنا که تنها با وجود سرزمین مشخص، رسیدن به اهداف و رفع نیازهایش متصور خواهد بود.

دلبستگی و تعلق خاطر به سرزمین مادری که با مرزهای معین، مشخص می‌شود دارای شاخص‌هایی از قبیل آمادگی برای دفاع از سرزمین در زمان بروز خطر یا ارجحیت زندگی در کشور خود بر سایر نقاط جهان و... است (همان: 348).

بعد سیاسی

تعلق به یک واحد سیاسی به عنوان عنصر ملی، مستلزم تعلق به دولت، نظام سیاسی و ارزشهای مشروعیت بخش حکومت در هویت ملی است (شیخاوندی، 1378). امروزه دولت ملی، بزرگ‌ترین و رایج‌ترین نوع شکل‌بندی جامعه بشری محسوب می‌شود. لذا اینکه دولت در یک کشور تا چه اندازه در میان اعضاء مقبولیت داشته باشد و یا اینکه میزان وفاداری اعضاء یک سرزمین جغرافیایی نسبت به نهادها، نظام حکومتی، ارزش‌ها و ایدئولوژی سیاسی و مرزهای کشور چقدر است، بسیار مهم خواهد بود (یانید، 1377). بر این اساس بعد سیاسی هویت ملی بر احساس تعلق و تعهد اعضاء (ملت) نسبت به نظام سیاسی و دولت تأکید دارد.

بعد دینی

داشتن دین و تعالیم مذهبی مشترک، پابندی و وفاداری به آن، اعتقاد و تمایل به مناسک و آیین‌های مذهبی فراگیر در روند شکل‌دهی هویت ملی بسیار مؤثر است. مذهب علاوه بر اینکه از لحاظ کارکردی، عامل مهمی در روابط اجتماعی به حساب می‌آید، موجب دلگرمی، سرزندگی و نشاط و اشتیاق عمومی است. ضمن آنکه در بسیاری از مواقع، مذهب در مفهوم جامعه‌شناختی، با تأکید بر بعد عینی و خارجی آن با سایر مضامین کلی از جمله دولت، تاریخ و میراث فرهنگی درآمیخته است (حیدری، 1383: 349-348).

بعد فرهنگی

میراث فرهنگی مشترک، گسترده و فراگیر، یکی از مهمترین اجزای هویت ملی است که سبب توافق فرهنگی می‌شود (عسگری خانقاه، 1378). میراث فرهنگی، کلیه ابعاد فرهنگی هر نظام اجتماعی را دربرمی‌گیرد که به نحوی خودآگاه یا ناخودآگاه ما را تحت تأثیر قرار می‌دهد (ورجاوند، 1378: 66) و نشانه‌های تاریخ یک فرهنگ و یک ملت به شمار می‌رود. در این مفهوم، میراث فرهنگی یک ملت، کلیتی زنده و پویایی خلاقیت انسانی است. میراث فرهنگی هر ملت که در هویت ملی آن مؤثر است، مشتمل بر مجموعه مناسک عام، شیوه‌های معماری، سنت‌ها، اعیاد، اسطوره‌ها، عرفها و فرهنگ مردم است (همان).

بعد زبانی

زبان و آثار ادبی بعد مهمی از میراث مکتوب هر ملت است. زبان نه تنها به عنوان یک محصول اجتماعی، ابزار و وسیله ارتباطات به شمار می‌رود، بلکه خود به عنوان بخشی از متن روابط اجتماعی که در تولید و بازتولید فرهنگ و هویت ویژه هر جامعه نقش مهمی دارد، محسوب می‌شود. زبان یک ملت، نظام معنایی یک ملت است و ابزاری مهم برای حفظ و شکل‌گیری و انتقال فرهنگ به شمار می‌آید (پیشین). زبان وسیله اندیشیدن، جهان‌بینی، کنش اجتماعی، هویت اجتماعی فرد و روابط خرد و کلان وی با جهان پیرامون و زمان‌های گذشته، حال و آینده است (یوسفی، 1379).

بررسی ادبیات نظری در خصوص عدالت

در این بخش، ضمن ارائه تعریف عدالت، انواع عدالت و نظریه‌های مختلف ارایه شده در این خصوص مورد بررسی قرار می‌گیرد.

از دیرباز تاکنون یکی از اشتغالات عمده در حوزه علوم انسانی بویژه در غرب جستجوی مبانی عدالت و شرایط عادلانه در جامعه بوده است. در فلسفه سیاسی تحلیل مفهوم عدالت اهداف مختلفی را پیگیری کرده است از جمله این که با گذر از عالم انتزاعیات و مفاهیم نظری و وصول به عالم عینیات، این نتیجه به دست آید که چه چیزی عادلانه و چه چیز ناعادلانه است. در حوزه علوم اجتماعی یکی از مشکلات عمده در خصوص مفهوم عدالت، گستردگی تعاریف، برداشتها و رویکردهای نظری و حتی اجرایی بوده است، مفهوم مذکور با آنکه جایگاهی رفیع در حوزه علوم اجتماعی دارا بوده اما همزمان دچار ابهامی معنایی نیز

بوده است از جمله دلایل ابهام و عدم وجود اجماعی فراگیر در مورد تعریف مفهوم مذکور، وجه تکاملی و پویای آن است. در فرهنگ علوم سیاسی در توصیف عدالت بیان شده است.

1. فضیلتی که به موجب آن باید به هر کسی آنچه را که حق اوست، داد.

2. بنا نهادن اخلاق بر پایه مساوات در مقابل قانون و احترام به حقوق افراد

3. رعایت تعادل قانونی بین منافع موجود (آقایخشی، 1375: 205)

مفهوم عدالت اجتماعی بیشتر در قرن نوزدهم وارد رساله‌های مختلف اقتصاد سیاسی شد که در آنها به مسائلی از قبیل توجیه شیوه‌های متفاوت توزیع اموال و یا مزایا پرداخته می‌شد. البته ایده عدالت اجتماعی بیشتر در پی جنبش‌های سوسیالیستی به وجود آمد و سپس توسط لیبرال‌ها و آزادیخواهان توسعه یافت. در حقیقت مفهوم عدالت اجتماعی¹ تأکید بر نقش نهادهای اجتماعی است که مزایا و منافع حاصل از همکاری‌های اجتماعی و حقوق و وظایف افراد را تقسیم می‌نمایند. نهادهایی مانند نهاد سیاسی و اقتصادی و برنامه‌ریزیهای اجتماعی. نظریه‌هایی که در مورد عدالت اجتماعی ارائه شده‌اند در حقیقت در پی ارائه راهکارهایی برای ایجاد یک دولت مطلوب است. البته باید توجه داشت که معنای این صحبت آن نیست که نظریه‌های عدالت تنها بر مقامات دولتی یا قانون‌گذاران تأکید دارند بلکه بر همکاری شهروندان برای مؤثر بودن برنامه‌های دولت نیز اشاره می‌نمایند.

تاریخچه نابرابری نشان می‌دهد که ده تا پانزده هزار سال پیش که کشاورزیهای کوچک به وجود آمدند نابرابری مادی و اجتماعی شکل گرفت. براساس یک نظریه زمانی که پیدا کردن و یا تولید غذا مشکل‌تر شد یک قاعده عدالت توزیع در جوامع انسانی به وجود آمد. وقتی شرایط زندگی، انسانها را به همکاری با همدیگر وادار نمود یک حسن انصاف یا عدالت اولیه در تقسیم کالاها و خدمات به وجود آمد تا تضادهای اجتماعی را کاهش دهد. یکی از راههای ایجاد عدالت اختصاص مزایا برای کسانی است که بیشترین سهم را در ایجاد رفاه برای عموم دارند. تصور می‌شود در جوامع ابتدایی، بهترین شکارچی به خاطر مشارکت و تلاش بیشتر مزایای بیشتری دریافت می‌کرده است.

از طرف دیگر بسیاری از اندیشمندان اعتقاد دارند از آنجایی که مردم به دنبال سازگاری شناختی هستند که نیازی روانشناختی است، اصول عدالت از جمله عدالت توزیعی را پایه گذاری می‌کنند. این امر بیانگر آنست که مزایا می‌بایست متناسب با سرمایه‌گذاری و مشارکت باشد. از طرف دیگر جنبه دیگری از روان انسان وجود دارد که بر قواعد توزیع تأثیرگذار است. انسانها توانایی درک احساسات، رنج و نیازهای همدیگر را دارند. بنابراین همه جوامع قواعد عدالت توزیعی را علاوه بر تلاش و سهم بر مبنای نیاز نیز شکل می‌دهند

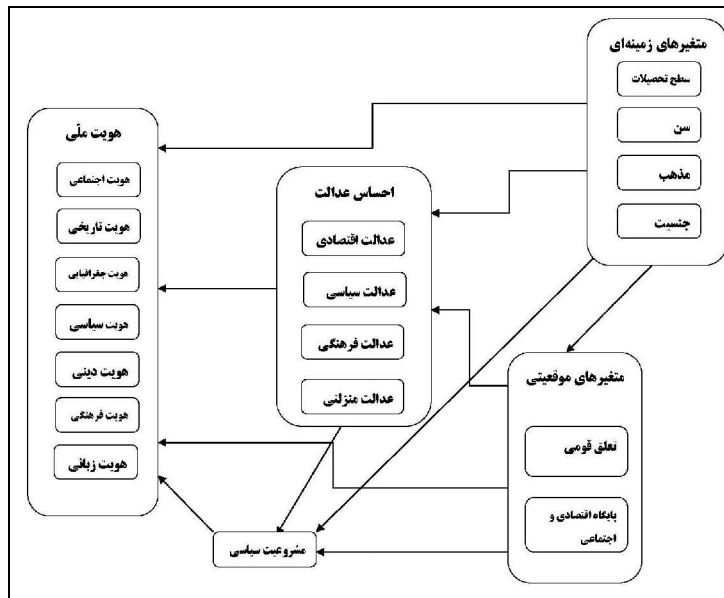
(همان)

در برخی از منابع، عدالت اجتماعی و عدالت توزیعی در یک معنا به کار رفته است به گونه‌ای که عدالت اجتماعی را همان توزیع مزایایی از قبیل درآمد، فرصت‌ها و شاخص‌های رفاهی در سطح جامعه معرفی می‌نمایند.

مدل مفهومی تحقیق

با توجه به توضیحات ارائه شده تاکنون، مدل مفهومی تحقیق را به صورت زیر می‌توان نشان داد.

شکل شماره (1): مدل مفهومی تحقیق



روش پژوهش

انتخاب روش مناسب بستگی مستقیم به نوع موضوع و اهداف تحقیق دارد. تحقیقات علمی براساس اهداف آن به سه دسته بنیادی، کاربردی و توسعه‌ای تقسیم می‌شوند. بر این اساس با توجه به اینکه هدف این پژوهش بررسی و شناخت میزان هویت ملی در بین شهروندان کرد و رابطه آن با احساس عدالت در بین آنها می‌باشد ماهیت پروژه از نوع کاربردی است. از جهت روش گردآوری و تحلیل داده‌ها تلفیقی از مطالعات کتابخانه‌ای و

مطالعات پیمایشی - همبستگی است و از نظر مدت زمان انجام تحقیق، پژوهش حاضر جزو مطالعات مقطعی محسوب می‌شود. با توجه به ماهیت طرح که بخش اعظم آن بصورت پیمایشی است تاکید اصلی بر استفاده از روش‌های کمی است، که طی آن جمع‌آوری اطلاعات با مراجعه مستقیم به جامعه آماری انجام شده است.

محدوده مکانی تحقیق، شهر قروه واقع در استان کردستان و محدوده زمانی تحقیق از ابتدای خردادماه 1390 تا پایان تیرماه همان سال می‌باشد که داده‌های مورد نیاز برای انجام این تحقیق در این بازه زمانی گردآوری شده است. در پژوهش حاضر جامعه آماری شامل کلیه شهروندان کرد سنی و شیعه مذهب ساکن شهر قروه اعم از مردان و زنان بالای 15 سال سن می‌باشد. بر این اساس، اطلاعات مربوط به حوزه و بلوک، چارچوب نمونه‌گیری و خانوارهای ساکن در این بلوکها، واحد نمونه‌گیری و یک نفر از اعضای خانوار بالای 15 سال سن، عنصر نمونه‌گیری را تشکیل می‌دهند.

در این پژوهش با توجه به محدودیت‌های موجود از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای دو مرحله‌ای استفاده شد. بدین منظور در مرحله اول براساس شماره حوزه‌های شهر قروه، 5 حوزه به تصادف انتخاب شده و در مرحله دوم از تمام بلوک‌های آماری هر حوزه، تعدادی از خانوارهای ساکن به عنوان واحد نمونه‌گیری در هر بلوک بر اساس شیوه نمونه‌گیری سیستماتیک انتخاب شده و با یک نفر از اعضای خانوار به عنوان عنصر نمونه‌گیری مصاحبه انجام شد.

برای تعیین حداقل حجم نمونه از رابطه تعیین حجم نمونه برای صفات کیفی یعنی رابطه

$$n = \frac{N \left(z_{1-\frac{\alpha}{2}} \right)^2 p \cdot q}{(N-1)d^2 + \left(z_{1-\frac{\alpha}{2}} \right)^2 p \cdot q}$$

استفاده شد که در آن p پارامتر نسبت شهروندان کرد سنی و شیعه مذهب با هویت ملی بالا بوده و با توجه به نامعلوم بودن آن، برای اینکه حجم نمونه حداکثر شود مقدار آن را برابر $p=0/5$ در نظر می‌گیرند. همچنین در رابطه بالا N جمعیت کل مردان و زنان بالای 15 سال سن شهرستان قروه است که مقدار آن برابر 169041 نفر می‌باشد، α : حداکثر خطای نوع اول است که مقدار آن برابر با 0/05 است، $Z_{1-\alpha/2}$ مقدار متناظر سطح معنی‌داری 0/025 در جدول توزیع احتمال نرمال است که برابر 1/96 است و d خطای

مطلق برآورد برابر $|p - P| = 0/06$ است. بنابراین با در نظر گرفتن مقادیر فوق و جایگذاری آن در رابطه حداقل حجم نمونه لازم برابر 266 نفر بدست آمد و با توجه به اینکه احتمال عدم همکاری برخی از شهروندان تعداد نمونه‌ها برابر 300 نفر در نظر گرفته شد.

در روش پیمایشی از پرسشنامه برای گردآوری اطلاعات استفاده شد و پرسشنامه تحقیق حاضر در 15 موضوع مختلف شامل سوالات آغازین، بعد اجتماعی هویت، بعد تاریخی هویت، بعد جغرافیایی هویت، بعد سیاسی هویت، بعد دینی هویت، بعد فرهنگی هویت، بعد زبانی هویت، بعد عدالت اقتصادی، بعد عدالت سیاسی بعد عدالت فرهنگی، بعد عدالت منزلتی بعد مشروعیت سیاسی، ویژگی‌های والدین و سوالات زمینه‌ای پاسخگویان طراحی شد و روایی و پایایی آن مورد تایید قرار گرفت. بعد از جمع‌آوری و کدگذاری پرسشنامه‌ها، داده‌ها وارد نرم‌افزار آماری SPSS شد و خروجی‌های گرفته شده مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در تحقیق حاضر تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از فنون و روش‌های آمار توصیفی و نیز استفاده از روش‌های آمار استنباطی انجام شد.

برای توصیف داده‌ها از روش‌های معمول در آمار توصیفی نظیر تهیه جدول فراوانی، محاسبه شاخص‌های آماری و رسم نمودارهای ستونی و همچنین از روش‌های آمار استنباطی مانند آزمون تی استیوننت دو نمونه‌ای برای مقایسه میانگین دو متغیر، آزمون ضریب همبستگی برای بررسی وجود رابطه بین متغیرها، آزمون فریدمن برای رتبه‌بندی مولفه‌ها، آزمون تحلیل واریانس یک‌طرفه برای برابری میانگین‌ها و مدل‌سازی رگرسیونی برای تحلیل مسیر استفاده شد.

در بررسی‌های تحلیلی، قبل از انجام آزمون فرضیه‌ها، سطح آزمون (حداکثر خطای نوع اول قابل قبول α) را از قبل تعیین می‌کنند و سپس خروجی‌های بدست آمده را با آن مقایسه می‌کنند. در این پژوهش، همانند اکثر تحقیقات، سطح آزمون برابر مقدار $\alpha = 0/05$ در نظر گرفته شد.

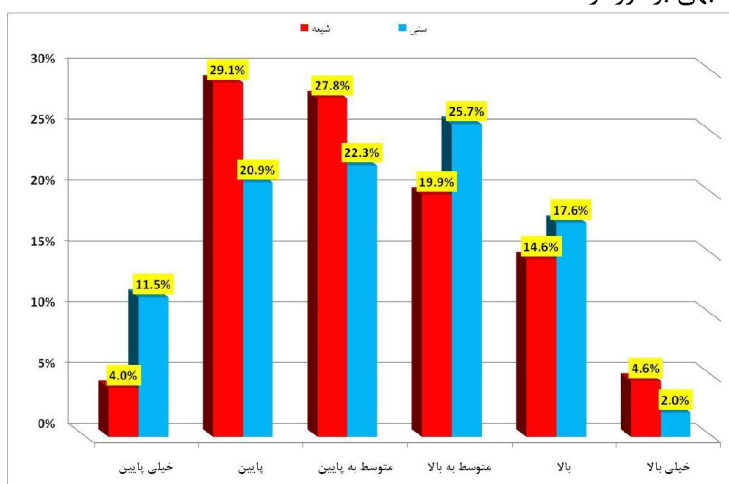
یافته‌های پژوهش

بررسی وضعیت تأهل و جنسیت پاسخگویان نشان داد که در بین شهروندان کرد شیعه مذهب حدود 46 درصد زن و 54 درصد مرد هستند. از این بین 54/4 درصد دارای همسر، 43 درصد مجرد و 2/7 درصد بدون همسر بر اثر فوت همسر هستند.

در بین شهروندان کرد سنی مذهب شرکت‌کننده در تحقیق حدود 45 درصد زن و

مابقی مرد هستند که از این بین 62 درصد آنها دارای همسر، 35 درصد هرگز ازدواج نکرده و 2/9 درصد بی همسر بر اثر فوت می باشند.

در پاسخ به این سوال که فکر می کنید به کدام قوم تعلق بیشتری دارید یافته های پژوهش نشان داد که اکثریت مطلق پاسخگویان یعنی 87/3 درصد شهروندان کُرد شیعه مذهب و 99/3 درصد شهروندان کُرد سنی مذهب خودشان را متعلق به قوم کُرد می دانند. در کل 6/6 درصد از پاسخگویان خودشان را متعلق به سایر اقوام می دانند. تحلیل وضع فعالیت پاسخگویان به تفکیک مذهب شهروندان نشان داد که 39/6 درصد شهروندان کُرد شیعه مذهب شاغل، 20/8 درصد محصل یا دانشجو، 18/1 درصد خانه دار و 13/4 درصد بیکار هستند. در بین شهروندان کُرد سنی مذهب 38/9 درصد شاغل، 27/1 درصد خانه دار، 19/4 درصد محصل یا دانشجو و 9/7 درصد بیکار هستند. مقایسه پایگاه اقتصادی و اجتماعی شهروندان کُرد شیعه و سنی مذهب در جدول زیر نشان می دهد که هر دو گروه از شرایط مشابهی برخوردار هستند.



در جدول زیر ابعاد مختلف هویت شهروندان مورد مقایسه و بررسی قرار گرفته است. یافته های پژوهش در جدول زیر نشان می دهد که:

● 34/5 درصد از شهروندان کُرد دارای هویت اجتماعی بالا، 45/2 درصد متوسط به بالا و 18/1 درصد متوسط به پایین هستند. 2/4 درصد نیز دارای هویت اجتماعی پایین هستند.

- حدود 76 درصد از شهروندان کُرد دارای هویت تاریخی بالا، 19/4 درصد متوسط به بالا و 4 درصد متوسط به پایین هستند. 0/3 درصد نیز دارای هویت تاریخی پایین هستند.
 - حدود 77 درصد از شهروندان کُرد دارای هویت جغرافیایی بالا، 14/7 درصد متوسط به بالا و 7 درصد متوسط به پایین هستند. 1/7 درصد نیز دارای هویت جغرافیایی پایین هستند.
 - 77/2 درصد از شهروندان کُرد دارای هویت سیاسی بالا، 15/1 درصد متوسط به بالا و 7 درصد متوسط به پایین هستند. 0/7 درصد نیز دارای هویت سیاسی پایین هستند.
 - حدود 82/8 درصد از شهروندان کُرد دارای هویت دینی بالا، 11/1 درصد متوسط به بالا و 4/4 درصد متوسط به پایین هستند. 2/6 درصد نیز دارای هویت دینی پایین هستند.
 - حدود 73/4 درصد از شهروندان کُرد دارای هویت فرهنگی بالا، 22/6 درصد متوسط به بالا و 2/7 درصد متوسط به پایین هستند. 1/3 درصد نیز دارای هویت فرهنگی پایین هستند.
 - حدود 66/2 درصد از شهروندان کُرد دارای هویت زبانی بالا، 25/2 درصد متوسط به بالا و 6/7 درصد متوسط به پایین هستند. 2 درصد نیز دارای هویت زبانی پایین هستند.
- مقایسه مقادیر میانگین ابعاد هویت شهروندان در جدول زیر نشان می‌دهد که شهروندان به ترتیب دارای هویت دینی با میانگین 5/19، هویت سیاسی با میانگین 5/06 و هویت تاریخی و جغرافیایی بالایی با میانگین 4/99 هستند.

جدول شماره (1): توزیع فراوانی نظرات شهروندان در خصوص ابعاد مختلف هویت

ابعاد هویت	خیلی پایین	پایین	متوسط به پایین	متوسط به بالا	بالا	خیلی بالا
اجتماعی	2	5	54	135	84	19
	.7%	1.7%	18%	45. %	28%	6.4%
تاریخی	0	1	12	58	143	85
	0%	.3%	4%	19.4%	48%	26%
جغرافیایی	0	5	21	44	119	110
	0%	1.7%	7.0%	14.7%	40%	37%
سیاسی	0	2	21	45	121	109
	0%	.7%	7%	15.1%	41%	36%
دینی	1	4	13	33	102	144
	.3%	1.3%	4.4%	11.1%	34%	49%
فرهنگی	0	4	8	67	139	79
	0%	1.3%	2.7%	22.6%	47%	26%
زبانی	0	6	20	75	142	55
	0%	2.0%	6.7%	25.2%	48%	18%

به منظور بررسی تحلیلی و پاسخ به این سوال که آیا اساساً بین ابعاد مختلف هویت شهروندان کرد سنی و شیعه مذهب اختلاف وجود دارد یا خیر، از آزمون تی استیودنت دو نمونه‌ای استفاده شد و نتایج بدست آمده نشان داد که اختلاف معناداری بین هویت شهروندان کرد شیعه و سنی مذهب وجود ندارد.

جدول شماره (2): نتایج آزمون تی استیودنت دو نمونه‌ای

ابعاد هویت	گروه	آزمون برابری واریانس‌ها		آزمون برابری میانگین‌ها	
		آماره F	سطح معناداری	آماره t	سطح معناداری
اجتماعی	شیعه	.041	.839	1.518	.130
	سنی				
تاریخی	شیعه	.418	.518	1.703	.090
	سنی				
جغرافیایی	شیعه	.100	.752	-.172	.863
	سنی				
سیاسی	شیعه	1.56	.213	.161	.872
	سنی				
دینی	شیعه	1.24	.265	1.632	.104
	سنی				
فرهنگی	شیعه	.007	.933	-.439	.661
	سنی				
زبانی	شیعه	.298	.585	1.878	.061
	سنی				

بررسی ابعاد احساس عدالت شهروندان در جدول زیر نشان می‌دهد که:

• 3 درصد از شهروندان کرد دارای احساس عدالت اقتصادی بالا، 5/18 درصد متوسط به بالا و 3/38 درصد متوسط به پایین هستند. 3/40 درصد نیز دارای احساس عدالت اقتصادی پایین هستند.

• حدود 6/24 درصد از شهروندان کرد دارای احساس عدالت سیاسی بالا، 7/38 درصد متوسط به بالا و 3/28 درصد متوسط به پایین هستند. 4/8 درصد نیز دارای احساس عدالت پایین هستند.

• حدود 3/2 درصد از شهروندان کرد دارای احساس عدالت فرهنگی بالا، 4/31 درصد متوسط به بالا و 4/27 درصد متوسط به پایین هستند. 9/20 درصد نیز احساس عدالت فرهنگی پایینی دارند.

● 13/5 درصد از شهروندان کُرد دارای احساس عدالت منزلتی بالا، 51/2 درصد متوسط به بالا و 25/6 درصد متوسط به پایین هستند. 8/9 درصد نیز دارای احساس عدالت منزلتی پایین هستند.

● 43/4 درصد از شهروندان کُرد مشروعیت سیاسی نظام را بالا، 33 درصد متوسط به بالا و 14/8 درصد متوسط به پایین و 8/8 درصد پایین دانسته‌اند. مقدار میانگین متغیر با 4/31 نیز نشان می‌دهد که شهروندان، مشروعیت سیاسی نظام را در حد متوسط به بالایی ارزیابی نموده‌اند.

مقایسه مقادیر میانگین ابعاد مختلف احساس عدالت شهروندان در جدول زیر نشان می‌دهد که احساس عدالت سیاسی شهروندان با میانگین 3/83، بیشتر از احساس عدالت منزلتی با میانگین 3/75، احساس عدالت فرهنگی با میانگین 3/61 و احساس عدالت اقتصادی با میانگین 2/84 است.

جدول شماره (3): توزیع فراوانی نظرات شهروندان در خصوص ابعاد مختلف احساس عدالت

ابعاد احساس عدالت	خیلی پایین	پایین	متوسط به پایین	متوسط به بالا	بالا	خیلی بالا
اقتصادی	16	104	114	55	8	1
	5.4%	40%	38%	18.5%	2.7%	.3%
سیاسی	2	23	84	115	68	5
	.7%	7.7%	28%	38.7%	23%	1.7%
فرهنگی	6	56	81	93	49	11
	2.0%	19%	27%	31.4%	16%	3.7%
منزلتی	3	26	76	152	33	7
	1.0%	9%	26%	51.2%	11%	2.4%
مشروعیت سیاسی	7	19	44	98	93	36
	2.4%	6.4%	15%	33%	31%	12.1%

به منظور بررسی تحلیلی و پاسخ به این سوال که آیا اساساً بین ابعاد مختلف احساس عدالت شهروندان کُرد سنی و شیعه مذهب اختلاف وجود دارد یا خیر، از آزمون تی‌استیودنت دو نمونه‌ای استفاده شد و یافته‌های پژوهش نشان داد، اختلاف معناداری بین احساس عدالت اقتصادی و فرهنگی شهروندان کُرد شیعه و سنی مذهب وجود دارد و با

توجه به آنکه میانگین احساس عدالت اقتصادی و فرهنگی شهروندان کرد شیعه مذهب بالاتر از میانگین احساس عدالت شهروندان کرد سنی مذهب می‌باشد لذا شهروندان کرد شیعه مذهب احساس عدالت بالاتری نسبت به شهروندان کرد سنی مذهب دارند. همچنین یافته‌های تحقیق نشان داد اختلاف معناداری بین مشروعیت سیاسی نظام از دید شهروندان کرد شیعه و سنی مذهب وجود ندارد.

جدول شماره (4): نتایج آزمون تی استیودنت دو نمونه‌ای

ابعاد هویت	گروه	میانگین	آزمون برابری واریانس‌ها		آزمون برابری میانگین‌ها	
			آماره F	سطح معناداری	آماره t	سطح معناداری
اقتصادی	شیعه	2.9	10.8	.001	2.2	.028
	سنی	2.7				
سیاسی	شیعه	3.9	1.4	.22	1.1	.245
	سنی	3.7				
فرهنگی	شیعه	3.7	.99	.32	2.1	.033
	سنی	3.4				
مذهبی	شیعه	3.7	2.8	.09	.35	.723
	سنی	3.7				
مشروعیت سیاسی	شیعه	4.3	1.7	.18	-.13	.897
	سنی	4.3				

در راستای آزمون فرضیه اساسی اول پژوهش مبنی بر اینکه «هر چقدر احساس عدالت نزد شهروندان بیشتر باشد هویت ملی آنان قوی‌تر است.» از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن برای فرض صفر و مقابل استفاده شد.¹

نتایج آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن در جدول زیر نشان می‌دهد که بین احساس عدالت و هویت ملی شهروندان کرد رابطه معنادار مثبتی به میزان 0/49 وجود دارد. این امر بدین معناست که هر چقدر احساس عدالت نزد شهروندان بیشتر باشد هویت ملی آنان

قوی‌تر است. بر این اساس فرضیه اساسی اول پژوهش تأیید می‌شود.

جدول شماره (5): نتایج آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن در خصوص رابطه بین هویت ملی و احساس عدالت اقتصادی

آماره	
297	تعداد پاسخگویان
.49	مقدار ضریب همبستگی
.000	سطح معناداری آزمون
رد فرض صفر	نتیجه آزمون

در راستای آزمون فرضیه اساسی دوم پژوهش مبنی بر اینکه «هر چقدر احساس عدالت اقتصادی نزد شهروندان بیشتر باشد هویت ملی آنان قوی‌تر است.» از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن برای فرض صفر و مقابل استفاده شد.

نتایج آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن در جدول زیر نشان می‌دهد که بین احساس عدالت اقتصادی و هویت ملی شهروندان کُرد رابطه معنادار مثبتی به میزان 0/332 وجود دارد. این امر بدین معناست که هر چقدر احساس عدالت اقتصادی نزد شهروندان بیشتر باشد هویت ملی آنان قوی‌تر است. بر این اساس فرضیه اساسی دوم پژوهش تأیید می‌شود.

جدول شماره (6): نتایج آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن در خصوص رابطه بین هویت ملی و احساس عدالت اقتصادی

آماره	
297	تعداد پاسخگویان
0.332	مقدار ضریب همبستگی
0.000	سطح معناداری آزمون
رد فرض صفر	نتیجه آزمون

در راستای آزمون فرضیه اساسی سوم پژوهش مبنی بر اینکه «هر چقدر احساس عدالت سیاسی نزد شهروندان بیشتر باشد هویت ملی آنان قوی‌تر است.» از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد که نتایج بدست آمده در جدول زیر نشان می‌دهد که بین احساس عدالت سیاسی و هویت ملی شهروندان کُرد رابطه معنادار مثبتی به میزان 0/557 وجود دارد. این امر بدین معناست که هر چقدر احساس عدالت سیاسی نزد شهروندان

بیشتر باشد هویت ملی آنان قوی تر است. بر این اساس فرضیه اساسی سوم پژوهش تایید می شود.

جدول شماره (7): نتایج آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن در خصوص رابطه بین هویت ملی و احساس عدالت سیاسی

آماره	
297	تعداد پاسخگویان
0.557	مقدار ضریب همبستگی
0.000	سطح معناداری آزمون
رد فرض صفر	نتیجه آزمون

به منظور آزمون فرضیه اساسی چهارم پژوهش مبنی بر اینکه «هر چقدر احساس عدالت فرهنگی نزد شهروندان بیشتر باشد هویت ملی آنان قوی تر است.» از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد که نتایج بدست آمده در جدول زیر نشان می دهد که بین احساس عدالت فرهنگی و هویت ملی شهروندان گرد رابطه معنادار مثبتی به میزان 0/31 وجود دارد. این امر بدین معناست که هر چقدر احساس عدالت فرهنگی نزد شهروندان بیشتر باشد هویت ملی آنان قوی تر است. بر این اساس فرضیه اساسی چهارم پژوهش تایید می شود.

جدول شماره (8): نتایج آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن در خصوص رابطه بین هویت ملی و احساس عدالت فرهنگی

آماره	
296	تعداد پاسخگویان
0.31	مقدار ضریب همبستگی
0.000	سطح معناداری آزمون
رد فرض صفر	نتیجه آزمون

جهت آزمون فرضیه اساسی پنجم پژوهش مبنی بر اینکه «هر چقدر احساس عدالت منزلتی نزد شهروندان بیشتر باشد هویت ملی آنان قوی تر است.» از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد که نتایج بدست آمده در جدول زیر نشان می دهد که بین احساس عدالت منزلتی و هویت ملی شهروندان گرد رابطه معنادار مثبتی به میزان 0/420 وجود دارد. این امر بدین معناست که هر چقدر احساس عدالت منزلتی نزد شهروندان

بیشتر باشد هویت ملی آنان قوی‌تر است. بر این اساس فرضیه اساسی پنجم پژوهش تایید می‌شود.

جدول شماره (9): نتایج آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن در خصوص رابطه بین هویت ملی و احساس عدالت

منزلتی

آماره	
295	تعداد پاسخگویان
0.42	مقدار ضریب همبستگی
0.000	سطح معناداری آزمون
رد فرض صفر	نتیجه آزمون

به منظور آزمون فرضیه فرعی اول پژوهش مبنی بر اینکه «هر چقدر مشروعیت سیاسی نظام نزد شهروندان بیشتر باشد، هویت ملی قوی‌تر آن است.» از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد و نتایج آزمون نشان داد که بین تعلق قومی شهروندان کُرد و هویت ملی آنان رابطه معنادار مثبت و قوی وجود دارد. این امر بدین معناست که هر چه قدر مشروعیت سیاسی نظام نزد شهروندان کُرد بیشتر باشد، هویت ملی شهروندان بالاتر است. بر این اساس فرضیه فرعی ششم پژوهش تأیید می‌شود.

جدول شماره (10): نتایج آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن در خصوص رابطه بین هویت ملی و مشروعیت سیاسی

آماره	
295	تعداد پاسخگویان
0.000	مقدار ضریب همبستگی
0.594	سطح معناداری آزمون
رد فرض صفر	نتیجه آزمون

جهت آزمون فرضیه فرعی دوم پژوهش مبنی بر اینکه «هر چقدر پایگاه اجتماعی اقتصادی افراد بالاتر باشد، هویت ملی آنان قوی‌تر است.» از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد و نتایج بدست آمده نشان داد که بین پایگاه اقتصادی اجتماعی شهروندان کُرد و هویت ملی آنان رابطه معناداری وجود ندارد. بر این اساس اولین فرضیه فرعی پژوهش رد می‌شود.

جدول شماره (11): نتایج آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن در خصوص رابطه بین هویت ملی و پایگاه اقتصادی اجتماعی

آماره	
مقدار ضریب همبستگی	.054
سطح معناداری آزمون	.178
تعداد پاسخگویان	297
نتیجه آزمون	تایید فرض صفر

به منظور آزمون فرضیه فرعی سوم پژوهش مبنی بر اینکه «شهروندان کرد دارای مذهب رسمی کشور (تشیع) نسبت به سنی مذهبها، هویت ملی بالاتری دارند.» از آزمون تی استیودنت دو نمونه‌ای برای متغیر هویت ملی دو گروه شهروندان کرد شیعه و سنی مذهب استفاده شد و نتایج تحقیق نشان داد که هویت ملی شهروندان کرد سنی و شیعه مذهب برابر است و اختلاف معناداری بین هویت ملی شهروندان کرد شیعه و سنی مذهب وجود ندارد. بر این اساس فرضیه فرعی سوم پژوهش رد می‌شود.

جدول شماره (12): نتایج آزمون تی استیودنت دو نمونه‌ای

گروه	میانگین	آزمون برابری واریانسها		آزمون برابری میانگینها	
		آماره F آزمون	سطح معناداری	مقدار t جدول	نتیجه آزمون
شیعه	4.91	3.31	.070	1.116	تایید فرض برابری میانگینها
سنی	4.83				

به منظور آزمون فرضیه فرعی چهارم پژوهش مبنی بر اینکه «بین جنسیت و هویت ملی شهروندان کرد، رابطه معنادار وجود دارد.» از آزمون کای دو برای فرض صفر و مقابل آماری زیر در جداول توافقی استفاده شد و یافته‌های پژوهش نشان داد که چون سطح معناداری آزمون کای دو 0/446 از سطح آزمون $\alpha=0/05$ بزرگتر است لذا فرض استقلال بین متغیرها پذیرفته می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که بین هویت ملی شهروندان کرد با جنسیت آنها رابطه معناداری وجود ندارد.

جدول شماره (13): نتایج آزمون کای دو در خصوص همبستگی بین هویت ملی و جنسیت شهروندان گُرد

کل	مرد	زن	جنسیت
			هویت ملی
9	6	3	پایین
3.0%	2.0%	1.0%	
288	155	133	بالا
97.0%	52.2%	44.8%	
297	161	136	مجموع
100.0%	54.2%	45.8%	
آماره آزمون کای دو: 0.580			
سطح معناداری آزمون: 0.446			
نتیجه آزمون: پذیرش فرض استقلال بین متغیرها			

به منظور آزمون فرضیه فرعی پنجم پژوهش مبنی بر اینکه «هر چقدر احساس تعلق قومی شهروندان بیشتر باشد، هویت ملی قوی تر است.» از آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد و نتایج آزمون نشان داد که بین تعلق قومی شهروندان گُرد و هویت ملی آنان رابطه معنادار اما در جهت عکس وجود دارد. این امر بدین معناست که هرچقدر تعلق قومی شهروندان گُرد بیشتر باشد، هویت ملی شهروندان پایین تر است. بر این اساس فرضیه فرعی پنجم پژوهش نیز رد می شود. این امر نشان دهنده شکاف بین تعلق قومی و هویت ملی است.

جدول شماره (14): نتایج آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن در خصوص رابطه بین هویت ملی و تعلق قومی

آماره	
-0.426	مقدار ضریب همبستگی
0.000	سطح معناداری آزمون
295	تعداد پاسخگویان
رد فرض صفر	نتیجه آزمون

تحلیل داده‌های گردآوری شده از شهروندان کرد در آزمون فرضیات اصلی و فرعی پژوهش نشان داد که:

هر چقدر احساس عدالت اجتماعی نزد شهروندان بیشتر باشد هویت ملی آنان قوی‌تر است.
هر چقدر احساس عدالت سیاسی نزد شهروندان بیشتر باشد هویت ملی آنان قوی‌تر است.
هر چقدر احساس عدالت اقتصادی نزد شهروندان بیشتر باشد هویت ملی آنان قوی‌تر است.
هر چقدر احساس عدالت منزلتی نزد شهروندان بیشتر باشد هویت ملی آنان قوی‌تر است.
هر چقدر احساس عدالت فرهنگی نزد شهروندان بیشتر باشد هویت ملی آنان قوی‌تر است.
هر چقدر احساس تعلق قومی شهروندان بیشتر باشد، هویت ملی ضعیف‌تر است.
بین پایگاه اجتماعی اقتصادی شهروندان و هویت ملی آنان رابطه معناداری وجود ندارد.
بین هویت ملی شهروندانی که از رسانه‌های خارجی استفاده می‌کنند و شهروندانی که استفاده نمی‌کنند، اختلاف معناداری وجود ندارد.

بین هویت ملی شهروندان کرد شیعه مذهب و سنی مذهب اختلاف وجود ندارد.
هویت ملی شهروندان کرد زن و مرد با هم به یک اندازه است.
بین مشروعیت سیاسی و هویت ملی شهروندان کرد، رابطه معنادار وجود دارد بطوریکه هر چقدر مشروعیت سیاسی نظام نزد شهروندان بیشتر باشد، هویت ملی آنان قویتر است.
به منظور پاسخ به اولین سوال اساسی پژوهش مبنی بر اینکه «آیا میان احساس عدالت شهروندان کردنشین با هویت ملی رابطه معناداری وجود دارد؟» از داده‌های سوالات 3 تا 11 پرسشنامه و آزمون ضریب همبستگی اسپیرمن استفاده شد و نتایج تحقیق نشان داد که بین احساس عدالت شهروندان و هویت ملی آنان همبستگی معناداری به میزان 0/49 وجود دارد.

در راستای پاسخ به سوال اساسی دوم پژوهش مبنی بر اینکه «کدام یک از ابعاد احساس عدالت بیشترین تأثیر را بر هویت ملی شهروندان کرد دارد؟» نتایج تحلیل مسیر نشان داد که احساس عدالت سیاسی شهروندان با ضریب رگرسیونی 5/52 بیشترین تأثیر را در مقایسه با سایر ابعاد دارد.

به منظور پاسخ به سوال اساسی سوم پژوهش مبنی بر اینکه «تعلق قومی چه تأثیری بر هویت ملی شهروندان کرد دارد؟» نتایج تحلیل مسیر نشان داد که تعلق قومی بر هویت ملی شهروندان کرد تأثیر منفی دارد.

پیشنهادها

به طور کلی متغیرهای زمینه‌ای موقعیتی و شاخص احساس عدالت تغییرات مربوط به هویت ملی شهروندان کرد را به میزان 49/1 درصد توضیح می‌دهد که این مقدار در تحقیقات علوم انسانی میزان قابل توجهی محسوب می‌شود. همچنین این میزان نشان می‌دهد که حدود 50 درصد از تغییرات مربوط به هویت ملی را متغیرهای این تحقیق تبیین نمی‌کند. به این ترتیب در بحث مربوط به بررسی هویت ملی شهروندان کرد، بایستی به دنبال متغیرهای دیگری نیز باشیم که پیشنهاد می‌شود به منظور تبیین دقیق‌تر و کامل‌تر وضعیت هویت ملی شهروندان کرد در تحقیقات آتی این متغیرها شناسایی و در مدل ارائه شده در این تحقیق مورد بررسی قرار گیرد.

با توجه به تأثیر قابل توجه احساس عدالت بر هویت ملی شهروندان، آشکار است که توجه به ابعاد مختلف عدالت می‌تواند بر دغدغه مسئولان مبنی بر تأمین امنیت مناطق کردنشین بسیار مؤثر باشد. در این میان توجه به احساس عدالت سیاسی بدلیل رابطه قوی که با هویت ملی در میان سایر ابعاد احساس عدالت دارد، باید بیش از پیش مورد تأکید واقع شود.

یکی از نتایج این تحقیق رابطه معکوس و قوی سطح تحصیلات شهروندان کرد با هویت ملی بود. به این ترتیب که هر چقدر تحصیلات افراد بالاتر می‌رود هویت ملی آنها کاهش می‌یابد. در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که چرا کسب تحصیلات دانشگاهی موجب کاهش هویت ملی می‌شود؟ علاوه بر اینکه این سوال می‌تواند به عنوان موضوع تحقیق جداگانه برای پژوهشگرانی که در این حوزه مطالعه می‌کنند مطرح باشد، همچنین می‌توان این موضوع را در چارچوب این تحقیق عنوان نمود که با بالا رفتن تحصیلات، شهروندان کرد، احساس عدالت (اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و منزلتی) کمتری نموده و این امر باعث کاهش هویت ملی آنان می‌شود. بنابراین توجه به نیازهای اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و منزلتی آنها و برآوردن توقعات و رفع محرومیت‌های نسبی آنان، تا حدود زیادی می‌تواند هویت ملی آنها را افزایش دهد.

یکی دیگر از نتایج این تحقیق رابطه معکوس و قوی تعلق قومی شهروندان کرد با هویت ملی بود. به این ترتیب که هر چقدر تعلق قومی افراد بالاتر باشد هویت ملی آنها کمتر است. در اینجا این پرسش مطرح می‌شود که چرا تعلق قومی باعث کاهش هویت ملی می‌شود؟ یا به عبارت دیگر چرا گرایش‌های بالای قومی شهروندان کرد هماهنگ با گرایش‌های مربوط به هویت ملی آنها نیست؟ این امر نشان می‌دهد که شهروندان کرد با ابراز گرایش‌های قومی

خود، به دلیل احساس بی‌عدالتی از هویت ملی خویش دور می‌شوند. بنابراین اولاً در میان شهروندان کرد گرایش‌های قومی قابل توجهی مشاهده می‌شود و ثانیاً پیشنهاد می‌شود که از این پتانسیل در جهت تقویت هویت ملی بهره گرفته شود تا از انزوای فردی و قومی آنها در کشور جلوگیری شود.

منابع

- آقازاده، حسین (1377). بررسی جامعه‌شناختی ابعاد هویت دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی، رساله کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- آقابخشی، علی (1375). فرهنگ علوم سیاسی، تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی ایران.
- احمدلو، حبیب (1381). هویت ملی و هویت قومی در میان جوانان تبریزی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تبریز.
- بانید، لئونارد (1377). بحران‌های توسعه سیاسی (ترجمه غ.ر. خواجه سروی)، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال اول، شماره اول، صص 233-245.
- جنکینز، ریچارد (1381)، هویت اجتماعی (ترجمه ت. یاراحمدی)، تهران: نشر شیرازه، چاپ اول.
- حاجیانی، ابراهیم (1379). تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه، فصلنامه مطالعات ملی، سال دوم، شماره پنجم، صص 193-228.
- حیدری، محمد (1383). هویت و امنیت ملی، مجموعه مقالات مبانی نظری هویت و بحران هویت، تهران: انتشارات پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی.
- چلبی، مسعود (1378). هویت قومی و رابطه آن با هویت جامعه‌ای (ملی)، وزارت کشور.
- روح الامینی، محمود (1379). زمینه فرهنگ‌شناسی، تهران: انتشارات عطار، چاپ پنجم.
- روشه، گی (1376). جامعه‌شناسی تالکوت پارسونز (ترجمه ع. نیک‌گهر)، تهران: انتشارات تبیان، چاپ اول.
- ریتزر، جورج (1374). نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر (ترجمه م. ثلاثی)، تهران: انتشارات علمی، چاپ هشتم.
- ساروخانی، باقر (1372). روش‌های تحقیقی در علوم اجتماعی، (جلد اول)، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- شیخاوندی، داور (1378). وفاق اجتماعی و همبستگی ملی، فصلنامه مطالعات ملی، سال اول، شماره اول، صص 73-95.
- عبدالهی، محمد (1374). هویت جمعی، دینامیسم و مکانیسم تحول آن در ایران، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، دفتر اول، صص 63-83.
- گیدنز، آنتونی، (1378). تجدد و تشخیص (ترجمه ن. موفقیان)، تهران: نشر نی.

- مروت، برزو (1383). بررسی عوامل موثر بر هویت جمعی غالب در نزد دانشجویان دانشگاه‌های شهرستان سنندج، رساله کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبایی.
- معمار، رحمت اله (1378). سنجش گرایش به هویت تاریخی، تهران: اداره کل مطالعات مرکز تحقیقات و پخش برنامه‌ای سازمان صدا و سیما.
- میرمحمدی، داوود. (1383). گفتارهایی درباره هویت ملی، تهران، موسسه مطالعات ملی، تمدن ایرانی.
- ورجاوند، پرویز (1378). پیشرفت و توسعه بر بنیاد هویت فرهنگی، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.
- یوسفی، علی (1379). بررسی تطبیقی مشروعیت سیاسی دولت جمهوری اسلامی ایران در سه شهر تهران، مشهد و یزد، رساله دکتری جامعه‌شناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.